

تحلیل داستان رستم و اسفندیار براساس روش نقد اسطوره‌ای با توجه به نظریه نور تروپ فرای با تأکید بر شاهنامه مکتب تبریز صفوی موزه هنرهای معاصر تهران

چکیده

داستان‌های شاهنامه همواره بستر مناسبی برای پژوهش در حوزه ادبیات حماسی بوده‌اند؛ در این پژوهش که با هدف تحلیل داستان رستم و اسفندیار براساس روش نقد اسطوره‌ای با توجه به نظریه نور تروپ فرای انجام شده، اطلاعات لازم به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و به روش توصیفی-تحلیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج به دست آمده، حاکی از این بود که با توجه به الگوی فرای، داستان رستم و اسفندیار جزء دسته تراژدی است و سه بخش نظم، احساس و انزوا در آن حاکم بوده است و مراحل شش‌گانه تراژدی نیز در آن مصداق دارند. در واقع، معنای نهایی این تراژدی، انزوای کامل رستم و غرق شدن او در دریای تجربه فردی است که در این داستان به دست آورده است؛ بنابراین با تکمیل این مراحل شش‌گانه، داستان رستم و اسفندیار نیز پایان یافته و تصویر ناخوشایندی برای مخاطب ایجاد نموده که متوجه عنصر تقدیرگرایی و تحکم واقع‌گرایانه در پایان تراژدی است. در نگاره‌های شاهنامه مکتب تبریز صفوی موزه هنرهای معاصر تهران نیز نمودهای این تقدیرگرایی به وضوح قابل مشاهده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی داستان رستم و اسفندیار با توجه به الگوی فرای.
۲. بررسی معنای تراژدی رستم و اسفندیار با تأکید بر شاهنامه مکتب تبریز صفوی موزه هنرهای معاصر تهران.

سؤالات پژوهش:

۱. داستان رستم و اسفندیار با توجه به الگوی فرای چگونه است؟
۲. در تراژدی رستم و اسفندیار با تأکید بر شاهنامه مکتب تبریز صفوی موزه هنرهای معاصر تهران چه معنایی نهفته است؟

کلیدواژه‌ها: حماسه، نقد اسطوره‌ای، داستان رستم و اسفندیار، نظریه نور تروپ فرای، ادبیات حماسی.

داستان رستم و اسفندیار که کامل‌ترین روایت آن در شاهنامه فردوسی آمده است، به گفته بسیاری از پژوهشگران فرهنگ و ادب فارسی، از بهترین، جذاب‌ترین و پرمحتواترین روایت‌های حماسی فارسی و حتی مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌رود. این داستان در اواخر دوره ساسانیان تا بیرون از مرزهای ایران راه‌یافته و در بلاد عرب نیز شناخته شده بود. در تأیید این مدعا، حکایت نظربین حارث (پسرخاله پیامبر (ص) و دشمن وی) قابل اشاره است که به واسطه ارتباطی که با خیره داشت، با داستان‌های شاهان ایران و همچنین روایت رستم و اسفندیار آشنا شده بود. این موضوع بعد از ورود اسلام به ایران نیز ادامه داشت؛ چنانکه بسیاری از نویسندگان مسلمان به داستان رستم و اسفندیار علاقه نشان دادند و این داستان را -خواه به صورت مفصل و خواه به شکل مختصر- در آثار خود، ثبت نمودند. این آثار را به دو گروه اصلی می‌توان تقسیم نمود: گروه نخست، آثاری هستند که نبرد رستم و اسفندیار را نبردی بر سر قدرت می‌دانند و معتقدند که دلیل اصلی این رویارویی، جاه‌طلبی اسفندیار و بدعهدی و فریبکاری پدرش گشتاسپ بوده است -اسفندیاری که مصرانه از پدر خواستار پادشاهی زودهنگام بود و گشتاسپی که علی‌رغم وعده‌هایی که به پسر می‌داد، از کناره‌گیری از پادشاهی به نفع پسر خودداری می‌کرد و سرانجام برای آسوده شدن از اصرارهای پسر، او را روانه مأموریت ناممکن برای به بند کشیدن رستم می‌کند و اطمینان دارد که وی هرگز از این مأموریت زنده باز نخواهد گشت.

در این گروه، آثاری همچون تاریخ الامم و ملوک (طبری، ۱۳۸۷: ۵۶۴/۱)، شاهنامه فردوسی (فردوسی، ۱۳۵۳: ۲۸۱/۴-۳۴۸)، غرور اخبار ملوک الفرس و سیرهم (ثعلبی، ۱۳۶۸: ۲۱۵-۲۳۳)، مجمل‌التواریخ و القصص (بی تا: ۵۲)، الکامل فی‌التواریخ (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲۷۵/۱) قرار می‌گیرند. طبیعتاً، نویسندگان این آثار با رستم همدلی دارند و گشتاسپ و اسفندیار را نسبت بدو ناسپاس می‌دانند و هم‌زمان، جاه‌طلبی اسفندیار و بدعهدی گشتاسپ را محکوم می‌کنند. گروه دوم آثار و منابعی هستند که نبرد رستم و اسفندیار را در اصل، نبردی دینی می‌دانند و معتقدند که گشتاسپ به‌عنوان پذیرنده دین زرتشتی و پسرش اسفندیار به‌مثابه گستراننده دین زردشتی، با رستم که مدافع باورها و آیین‌های کهن ایرانی پیش از زردشت بود، دچار تنش (=چالش) شده و سرانجام کار به نبرد رستم و اسفندیار می‌کشد (یزدانی‌راد، ۱۴۰۱: ۴)؛ بنابراین با توجه به این نظریات ضدونقیض، ضروری می‌نماید که در این راستا مطالعات بیشتری صورت گیرد. در این زمینه از آنجا که داستان رستم و اسفندیار داستانی حماسی و اسطوره‌ای است، تحلیل آن براساس روش نقد اسطوره‌ای می‌تواند در رفع ابهامات بسیاری در مورد آن راهگشا باشد؛ که نظریه نورتروپ فرای نظریه برجسته و مناسبی در این راستا به نظر می‌رسد؛ زیرا نورتروپ فرای از مشهورترین پژوهشگران قرن بیست بوده که نظریاتش در حوزه اسطوره‌شناختی و نقد ادبی به حدی مهم است که پس از گذشت سال‌های بسیار هنوز هم او را نماینده اسطوره‌شناسی در این قرن می‌دانند.

نورتروپ فرای در مقدمه نقد تاریخی، به‌طور مفصل به وجوه داستانی در ادبیات می‌پردازد؛ او آثار تحلیلی را با توجه به قدرت عمل قهرمان داستان، طبقه‌بندی می‌کند و بر این اساس، پنج وجه داستانی را برای آثار روایی برمی‌شمارد که به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- اسطوره؛ ۲- رمانس؛ ۳- حماسه و تراژدی؛ ۴- کمدی و رئالیسم؛ ۵- طنز و ایرونی (بشیری و نوروزی، ۱۳۹۷: ۴). بنابراین نظر به آنچه گذشت، در این مطالعه به بررسی و تحلیل داستان رستم و اسفندیار براساس روش نقد اسطوره‌ای با توجه به نظریه نورتروپ فرای پرداخته شده است.

کاظم‌پور و احمدی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به نقد اسطوره‌ای داستان رستم و سهراب براساس نظریات نورتروپ فرای پرداخته‌اند؛ از رویکردهای مهم در مطالعات اسطوره‌شناختی متون ادبی، نظریات نورتروپ فرای در این خصوص است. این پژوهش داستان رستم و سهراب در متن شاهنامه را با الگوی پیشنهادی فرای و با روش توصیفی-تحلیلی، بررسی

می‌کند. گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. طبق نظر فرای درباره نقش اسطوره در انعکاس دوره اجتماعی مؤلف، نتیجه شد که شکل‌گیری اسطوره رستم و سهراب می‌تواند بازتابی از دیدگاه فردوسی به اوضاع اجتماعی معاصرش باشد. یزدانی‌راد (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی نبرد رستم و اسفندیار به‌عنوان روایتی حماسی از پدیده‌ای تاریخی پرداخته است: داستان رستم و اسفندیار به‌مثابه یکی از فراگیرترین و پرمایه‌ترین داستان‌های حماسی ایران تاکنون موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است و از دیدگاه‌های گوناگون، بررسی و تفسیر شده است. هر یک از این پژوهش‌ها، به سهم خود پرتوهایی بر این داستان افکنده‌اند و گاه هم‌زمان با آن، ابعاد و زوایایی از فرهنگ و تاریخ ایران را هم روشن نموده‌اند. این پژوهش نیز که پژوهشی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش تحقیق تاریخی است کوشیده تا از زاویه‌ای دیگر و با نگاهی متفاوت، داستان رستم و اسفندیار را بازخوانی کند.

واعظی و زیرک (۱۴۰۰) در تحقیقی به تحلیل رفتار متقابل در داستان رستم و اسفندیار براساس نظریه اریک برن پرداخته‌اند: تحلیل رفتار متقابل (به‌اختصار TA)، یکی از نظریه‌های مطرح در روان‌شناسی نوین است که به موضوع سامان‌دهی رفتار در ارتباطات انسانی می‌پردازد. کاربرد این نظریه در تحلیل داستان‌ها می‌تواند راه‌کاری علمی و مؤثر برای بهره‌گیری از آثار گران‌سنگ ادبی باشد. نبی‌لو (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی داستان رستم و اسفندیار بر مبنای دیدگاه کلود برمان پرداخته است: در این مقاله داستان رستم و اسفندیار که از داستان‌های محوری شاهنامه است، بر اساس نظریه‌ی کلود برمان بررسی می‌شود. این دیدگاه با توجه به اینکه شکست و عدم توفیق قهرمان را نیز در نظر می‌گیرد، با داستان مورد بحث مطابقت بیشتری دارد. مال میر (۱۳۸۵) در تحقیقی به بررسی ساختار داستان رستم و اسفندیار پرداخته است: سیر سنت‌هایی چون نگه‌داشتن مرز میان پهلوانی و پادشاهی، پیوند دین و دولت، اصالت تخمه و نژاد و نوع تعارض گشتاسبیان با آن‌ها در شاهنامه مورد بررسی قرار گرفته است. برخی مسائل نظیر شکست آغازین رستم و علت پروردگی چوب‌گز در آب رز، وجود دو پهلوان پیر و جوان در داستان نیز تحلیل شده است.

نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه از الگوی میتوزی فرای و شرح داستان رستم و اسفندیار گذشت، این داستان جزء دسته تراژدی است. نظر به گفته فرای، این مرحله دارای سه بخش (نظم، احساس و انزوا) است که با اندک دقتی درمی‌یابیم که در داستان رستم و اسفندیار نیز حاکم است. در بخش نظم آن، به مرگ به‌عنوان عنصری گریزناپذیر اشاره شده و در بخش احساس، سخن از دل‌باختگی نافرجام اسفندیار به فرمان است. در این بخش، شاهد حضور شخصیت گشتاسب به‌عنوان فرد بزدل، منافق و خائن داستان هستیم و در بخش انزوا نیز مواردی چون «فردی بودن تجربه تراژدی» و «بروز وجه خودآگاهی در شخصیت قهرمان» و اصرار رستم به عزاداری طولانی برای اسفندیار و وقف عمر در تربیت فرزند او، دلایلی هستند که نشان می‌دهند این داستان به طبقه تراژدی انزوا تعلق دارد. رستم پس از کشتن اسفندیار دچار عذاب وجدان بسیار شده و سال‌ها در انزوا به سوگ او می‌نشیند و به جبران مافات، باقی عمرش را وقف تربیت بهمن می‌کند.

اما در رابطه با مراحل شش‌گانه تراژدی در داستان طبق الگوی فرای، مراحل «توصیف مقام و منزلت اسفندیار»، «وجه رمانسی داستان که اسفندیار هنوز وارد سیر اتفاقات تراژیک نشده و با مادرش در مورد فرمانروایی آتی خود سخن می‌گوید»، «مرتب‌های که گشتاسب به او دستور داده به جنگ رستم برود و او درواقع وارد مرحله‌ای از سیر و سلوک شده است»، «مرحله خطای فردی که اسفندیار با اینکه می‌داند نبرد با رستم خدعه پدرش است؛ با این حال، حریف حرص و جاه‌طلبی خود نشده و تن به خواسته پدر می‌دهد»، «مرحله، فائق آمدن قوانین طبیعت بر روند داستان با

خدعه زال و غلبه بر اسفندیار که تداعی گر تقدیرگرایی تراژدی بر اساس الگوی فرای است» و «مرحله شوک و کشف راز هولناک که کشف عدم روئین بودن چشمان اسفندیار و پرده برداشتن از نفرینی که گریبان‌گیر قاتل اسفندیار خواهد شد» قابل اشاره هستند. درواقع، معنای نهایی این تراژدی، انزوای کامل رستم و غرق‌شدن او در دریای تجربه‌ی فردی است که در این داستان به‌دست آورده است؛ بنابراین با تکمیل این مراحل شش‌گانه، داستان رستم و اسفندیار نیز پایان‌یافته و تصویر ناخوشایندی برای مخاطب ایجاد شده که متوجه عنصر تقدیرگرایی و تحکم واقع‌گرایانه در پایان تراژدی است.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن اثیر، ابوالحسن علی‌بن‌آبی اکرم. (۱۳۸۵ق). الکامل فی التواریخ، بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۷۵). زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام. ترجمه: سید هاشم رسولی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات کتابچه.
- ابن هشام، عبدالملک. (بی‌تا). سیره نبوی. تحقیق مصطفی آل‌سقا و ابراهیم آل‌آبیاری و عبد حفیظ سلبی، بیروت: دارمعرفه.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۹۰). «داستان داستان‌ها؛ رستم و اسفندیار در شاهنامه». چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بشیری، محمود؛ حاج نوروزی، ندا. (۱۳۹۷). نقد داستان سیاوش براساس نظریات نورتروپ فرای در نقد تاریخی، هفتمین همایش انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، جلد دوم.
- ثعلبی، عبدالملک‌بن‌محمد. (۱۳۶۸). تاریخ ثعلبی مشهور به غرور اخبار ملوک‌الفرس و سیر هم‌پاره نخست (ایران باستان)، ترجمه: محمد فضائلی، تهران: نشر نقره.
- راشد محصل، محمدتقی. (۱۳۶۹). «مروری بر داستان رستم و اسفندیار». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره سوم و چهارم، ۴۶۲-۴۳۲.
- رو تون. (۱۳۸۵). اسطوره. ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، چ ۳، تهران: نشر مرکز.
- سپاهی، جمشید. (۱۳۴۹). نگرشی بر اوج و سقوط رستم در شاهنامه. تهران: مؤسسه انتشارات آسیا.
- طبری، ابوجعفر محمدبن‌حریر. (۱۳۸۷ق). تاریخ الامم و ملوک. تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ط ثانیه، بیروت: دارتران.
- طبری، محمدبن‌حریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری. ترجمه: ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اساطیر.
- نورتروپ، فرای. (۱۳۷۷). تحلیل نقد. ترجمه: صالح حسینی، چ ۱، تهران: انتشارات نیلوفر.
- (۱۳۷۸). ادبیات و اسطوره در اسطوره و رمز. ترجمه: جلال ستاری. تهران: انتشارات سروش.
- (۱۳۸۸). ابلهان زمان. ترجمه: هلن اولیایی، اصفهان: نشر فردا.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). شاهنامه. به کوشش سعید حمیدیان، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات قطره.

- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۵۳). شاهنامه. تصحیح ژول مول، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- کاظم‌پور، مهدی؛ احمدی، زهرا. (۱۴۰۱). «نقد اسطوره‌ای داستان رستم و سهراب براساس نظریات نورتروپ فرای». فصلنامه متن‌پژوهی ادبی، دوره ۲۶، شماره ۹۳، ۲۸۵-۳۰۵.
- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۶). «رؤیا، حماسه، اسطوره». تهران: نشر مرکز.
- گرین، ویل فرد؛ مورگان، بی. (۱۳۷۶). مبانی نقد ادبی. ترجمه: فرزانه طاهری، تهران: نشر نیلوفر.
- مجمل التواریخ و القصص. (بی‌تا). تحقیق ملک شعرا بهار، تهران: نشر کلاله خاور.
- مال‌میر، تیمور. (۱۳۸۵). «ساختار داستان رستم و اسفندیار». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۹، پیاپی ۱۶.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۳). اسطوره و اسطوره‌شناسی نزد نورتروپ فرای از کالبدشناسی نقد تا رمز کل، چ ۱، تبریز: نشر موغارم.
- نبی‌لو، علیرضا. (۱۳۹۱). «بررسی داستان رستم و اسفندیار بر مبنای دیدگاه کلود برمان». فصلنامه متن‌شناسی ادب فارسی، شماره ۴، پیاپی ۱۶، ۳۳-۵۲.
- نولدک، تئودور. (۱۳۶۹). حماسه ملی ایران. ترجمه: بزرگ علوی و با مقدمه سعید نفیسی، چاپ چهارم، تهران: نشر جامی و مرکز نشر سپهر.
- هزار حکایت صوفیان. (۱۳۸۹). مقدمه و تصحیح و تعلیقات از حامد خاتمی‌پور، تهران: انتشارات سخن.
- واعظی، روزت؛ زیرک، ساره. (۱۴۰۰). «تحلیل رفتار متقابل در داستان رستم و اسفندیار براساس نظریه اریک برن». پژوهش‌نامه ادب حماسی، شماره اول، پیاپی ۳۱، ۲۷۵-۳۰۲.
- واقفی، محمدبن‌عمر. (۱۳۶۹). مغازه‌ی؛ تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص). ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یزدانی‌راد، علی. (۱۴۰۱). «نبرد رستم و اسفندیار؛ روایتی حماسی از پدیده‌ای تاریخی». فصلنامه کاوش‌نامه، شماره ۵۲، ۹-۴۶.